

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال چهارم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۲

«استقامت نامه»، اثری ناشناخته از قرن نهم هجری در شرح اسرار و

مفاهیم استقامت* (علمی - پژوهشی)

دکتر احمد رضا یلمه‌ها

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

بخش عظیمی از میراث مکتوب ادب فارسی، آن چنانکه بایسته و شایسته است، احیا نشده و تعداد فراوانی از نسخه‌های خطی که نمایانگر اصلی این میراث و درحقیقت سند شیوه اندیشه و پنداشت گذشتگان است، در گوشه و کنار کتابخانه‌های مختلف همچون خاموشانی اند که در بوتۀ فراموشی قرار دارند. یکی از این آثار مجهول‌القدر و ناشناخته، «استقامت‌نامه» از «جمالی اردستانی»، مفسر، صوفی، شاعر و عارف شیعی مذهب قرن نهم هجری است. او آثار فراوانی در زمینه حالات و مقامات صوفیه و نیز تعالیم و تعبیر عرفانی، از خود به جای نهاده است؛ تا جایی که رضا قلی خان هدایت، او را پس از عطار نیشابوری، صاحب بیشترین مثنویات دانسته است. استقامت‌نامه اثری است به نظم و نثر، مشتمل بر حدود ۹۵۰ بیت که جمالی آن را در زمینه استقامت و پایداری در تصوف و عرفان، با تفسیر آیات قرآنی و تبیین دیدگاه‌های صوفیانه، به زبانی نسبتاً ساده تألیف نموده است. این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار، به معرفی این اثر بی‌نام و نشان، به همراه بررسی کوتاهی از آن بپردازد.

واژگان کلیدی

استقامت، عرفان و تصوف، قرن نهم هجری، جمالی اردستانی، آثار

ناشناخته.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۷/۱۲

ayalameha@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۶/۲۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

استقامت واژه‌ای قرآنی و در معنای ایستادگی و پایداری و ثبات است که در حدود ۲۰ آیه قرآنی آمده است. در اصطلاح اهل حقیقت، استقامت، ملازمت صراط المستقیم، پایداری در ایمان به خداوند متعال و رسیدن به مقام طمأنینه و سکون است. «صوفیان به پیروی از قرآن مجید و سنت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم و نحوه زندگانی سرحلقه عارفان جهان، علی مرتضی (ع)، به این کلمه بسیار اهمیت می‌دادند و در تربیت خانقاهی و ارشادات خود، پیوسته سالکان طریق را به این استقامت و کیفیت آن و پایداری و مواظبت در احوال و مقامات، توصیه می‌نمودند. استقامت را مترادف کلمه صراط المستقیم می‌دانستند و توجه و عمل به آن را تنها وسیله نجات سالک از القائات شیطانی و رسیدن به برکات عرفانی می‌پنداشتند» (گوهرین، ۱۳۶۷: ۲۰۷/۱).

در بیشتر آثار عرفانی، از گذشته تا به حال، درباره این واژه قرآنی و اصطلاح عرفانی، مطالبی بیان گردیده و آن را به اقسام و ارکان و انواعی تقسیم نموده‌اند. اما آثاری که به صورت جداگانه به این اصطلاح پرداخته باشند، محدود و معدود است. یکی از این آثار، استقامت‌نامه جمالی اردستانی (متوفی ۸۷۹ قمری) است که در ذیل به معرفی اجمالی این شاعر، به همراه آثار وی پرداخته می‌شود.

جمالی اردستانی مشهور به پیر جمال، شاعر، مؤلف، عارف شیعی مذهب قرن نهم هجری است که پیر جمال عراقی، فضل‌الله جمالی و نیز عاشق اصفهانی نیز نامیده شده است. او مؤسس سلسله و طریقه‌ای است که به سلسله پیر جمالیه معروف است. وی در طریقت، مرید پیر مرتضی علی اردستانی (۸۵۷ ق) بوده و سلسله ارادت وی با اختلاف روایات، پس از چندین واسطه به فخرالدین عراقی، یا به نجیب‌الدین علی بزغش شیرازی و از آنها به شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهرودی، مؤسس طریقه سهروردیه می‌رسد (رک. معصوم علی‌شاه، ۱۳۳۹: ۳۵۵/۲). رضا قلی خان هدایت در «ریاض العارفین» او را این چنین معرفی می‌کند: «و هو قطب العاشقین و غوث الموحدين، شیخ المجرّد و عارف الموحّد، جمال‌الدین محمد، پیری است شوریده جان و صافی ضمیر و شیرین زبان؛ حاوی

فضایل صوری و معنوی و جامع خصایل انسانی و ملکی؛ مرید جناب پیر مرتضی اردستانی بوده و در خدمت آن جناب، تحصیل مراتب معنوی نموده؛ از اماجد محققین و اعظام عارفین گردید و مدتی طریق سیاحت در ولایات کرد» (هدایت، ۱۳۸۵: ۸۹).

پیر جمال، در نظم و نثر توانا بود و دارای آثار متعددی است. مضامین بیشتر آثار او، مبانی و مفاهیم عرفانی است و رحجان معنی بر صورت، در بیشترین آثار او به چشم می‌خورد. «آثار و اشعار پیر جمال، بیانگر تبحر او در زبان‌های فارسی و عربی و آشنایی با فلسفه و عرفان، انس با آیات قرآن، احادیث پیامبر(ص) و ائمه(ع) و نیز توجه وی به شاعرانی چون سنایی، نظامی، عطار، سعدی و حافظ و به ویژه دلبستگی خاص او به مولوی است؛ چنانکه او، خود، مثنوی را بعد از قرآن مجید و حدیث، بهترین کتاب می‌داند» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۳۹۹/۱۸).

۲- آثار پیر جمال

چنانکه بیان گردید جمالی اردستانی، آثار بسیاری در باب حالات و مقامات صوفیه از خود به جای نهاده است. بر اساس فهرست‌های موجود حدود ۳۰ اثر، برای وی می‌توان بر شمرد که همه آنها به زبان فارسی به صورت منظوم و مثنوی تألیف شده است. معصوم علی شاه در طرائق الحقایق، به نسخه‌ای از آن خود، از آثار پیر جمال اشاره دارد که مشتمل بر ۲۸ رساله بوده و از وی به سرقت رفته است (معصوم علی‌شاه، همان: ۳۵۵/۲). رضا قلبی خان هدایت، او را از جهت کثرت آثار، نظیر عطار دانسته و سرایش بیش از پنجاه هزار بیت را بدو نسبت می‌دهد. «پس از جناب شیخ عطار، به کثرت نظم و مزید مثنویات معارف آیات، کسی از اهل حال نمی‌تواند با وی برابری نماید» (هدایت، ۱۳۸۵: ۷۲). متأسفانه بسیاری از آثار جمالی اردستانی، به جهت تشابه اسمی با جلال خان جمالی دهلوی (تذکره‌نویس قرن دهم هجری، صاحب سیرالعارفین و متخلص به جمالی) خلط گردیده و انتساب این آثار به روشنی قابل تشخیص نیست و برخی نیز نام‌گذاری و دسته‌بندی خاصی ندارد و نسخه‌های آن با نام‌های متفاوت، پراکنده و

آشفته است. آثاری که در بیشتر منابع، به جمالی اردستانی منسوب است عبارتند از:

۱- دیوان که به نام منظومه مفتاح الفقر نیز از او یاد شده (و گاه نیز با دو عنوان جداگانه) و شامل قصاید، ترجیعات، ترکیبات، غزلیات، رباعیات، مفردات، قطعات، مستزادها و فهلویات اوست و در برخی از منابع به طور جداگانه از هر کدام از این بخش‌های دیوان یاد شده است.

۲- بیان حقایق احوال المصطفی که مشتمل است بر هفت رساله مستقل، با نام‌های مصباح الارواح (کامل شده در ۸۶۸ قمری)، احکام المحبّین، نهاية الحکمه (۸۶۸)، بدایه المحبّة (۸۶۹)، هدایة المعرفة (و یا بدایة المعرفة)، فتح الابواب و حقیقة الآداب (۸۷۳) و شرح الواصلین (۸۷۶). این اثر، مثنوی بزرگی است آمیخته به نثر که به شرح زندگانی پیامبر(ص)، به عنوان نمونه کامل عارفان، می‌پردازد.

۳- شرح الكنوز و کشف الرموز؛ مثنوی‌ای است درباره اسرار و رموز عرفانی که در سال ۸۶۴ قمری تألیف گردیده است.

۴- روح القدس که مشتمل است بر سه بخش شریعت، طریقت و حقیقت. برخی این رساله را بخش سوم شرح الكنوز می‌دانند.

۵- تنبیه العارفین: که این اثر نیز مثنوی‌ای است آمیخته به نثر که به شرح رموز عرفانی می‌پردازد.

۶- مجموعه رباعیات عرفانی با عنوان کنز الدقایق، که به نام‌های میزان الحقایق (مشتمل بر ۲۵۳ رباعی عرفانی) و مشکوة المحبّین نیز آمده است و گاه نیز به طور جداگانه از هر یک از آنها نام برده شده است.

۷- مرآة الافراد: مشتمل است بر ۱۶۵ رساله منشور و منظوم که به تفاسیر آیات قرآن و احادیث، به همراه شرح برخی از اقوال و دیدگاه‌های صوفیانه می‌پردازد.

۸- کشف الارواح: اثری است منظوم آمیخته به نثر، در تفسیر و تأویل سورة یوسف که به یوسف و زلیخا و یا یوسف‌نامه نیز مشهور است و پیر جمالی،

اندیشه‌های عرفانی خود را درباره عشق الهی و رمز و رازهای آن، بر اساس نظریه وحدت وجود مطرح نموده است (رک. خوشحال دستجردی، ۱۳۸۷: ۱۲ به بعد).

- ۹- نور علی نور: منظومه‌ای است آمیخته به نثر، در دو بخش که بخش اول با آفرینش عقل و بخش دوم با آفرینش نور شروع می‌گردد.
 - ۱۰- معلومات: نام کامل آن معلومات اسرار القلوب و مفهومات انوار القلوب است و اثری عرفانی درباره عشق الهی است.
 - ۱۱- مرآة الحیب که به نام‌های فرصت‌نامه، نصرت‌نامه و قدرت‌نامه نیز آمده است و مجموعه‌ای از رباعیات اوست.
 - ۱۲- المسطور فی رق المنشور، اثری است مثنوی.
 - ۱۳- منشآت که مجموعه نامه‌های اوست.
 - ۱۴- رساله‌ای مثنوی درباره عقل.
 - ۱۵- محبوب الصدیقین: مثنوی‌ای است عرفانی درباره عشق الهی، فن، هستی، نیستی و برخی آن را بخشی از کشف‌الکنوز او می‌دانند.
 - ۱۶- مهر قلوب: اثری است منظوم، درباره عشق الهی که به نام مهرافروز نیز آمده و برخی نیز این دو اثر را جداگانه نوشته‌اند.
 - ۱۷- ناظر و منظور: رساله‌ای است عرفانی در شرح و تفسیر آیه «الله نور السموات و الارض».
 - ۱۸- استقامت‌نامه: اثری منظوم، آمیخته به نثر که در ذیل به معرفی آن پرداخته می‌شود.
- استقامت‌نامه تا کنون به زیور چاپ آراسته نشده و متن اثر تا کنون به صورت نسخه خطی است. از این اثر پنج دست نوشته در ایران، باقی مانده است که عبارتند از:

۱- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با شماره ۹۳۲۶/۱۲ که توسط کاتبی به نام محمد کریم بن میرزا زمان، به خط نستعلیق کتابت گردیده و زمان

کتابت دقیق آن مشخص نیست و از آثار قرن سیزدهم هجری است. (رک. درایتی، ۱۳۸۹: ۷۶۴/۱).

۲- نسخه کتابخانه ملی ملک، با شماره ۵۰۵۲/۱۸ که توسط کاتبی با نام محمد حمزوی موسوی، در تاریخ ۲۴ شوال ۱۲۲۹ به خط نسخ کتابت گردیده است.

۳- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با شماره ۱۱۳۲/۱۰ که کاتبی با نام علی اشرف بن علی، در تاریخ ۱۲۳۵ به خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه کاملترین نسخه باقیمانده از مجموعه آثار جمالی اردستانی (مشمول بر حدود ۳۵۰۰۰ بیت) است که دارای ۳۱۴ برگ (۶۲۸ صفحه) و مشتمل بر آثار زیر است و بخش دهم آن را استقامت نامه تشکیل می دهد:

۱- فتح الابواب (۱۳۴-۳) ۲- مهرافروز (۱۴۵-۱۳۵) ۳- کنز الحقایق (۱۸۸-۱۴۹) ۴- تنبیه العارفين (۲۵۳-۱۹۱) ۵- محبوب الصدیقین (۳۶۰-۲۵۵) ۶- مفتاح الفقر (۳۷۰-۳۶۱) ۷- مشکوة المحبین (۳۷۴-۳۷۱) ۸- معلومات (۳۷۹-۳۷۵) ۹- مثنویات (۳۹۱-۳۸۰) ۱۰- استقامت نامه (۴۱۷-۳۹۳) ۱۱- نور علی نور (۴۳۹-۴۱۷) ۱۲- ناظر و منظور (۴۴۹-۴۳۹) ۱۳- مرآة الافراد (۵۵۰-۴۵۱) ۱۴- قصاید، ترجیعات، مستزادها، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی و قطعه (۶۲۷-۵۵۳).

۴- نسخه کتابخانه صدرالدین محلاتی در شیراز، با شماره ۱۶/۱۹ که کاتبی به نام سید محمد حمزوی، در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۲۳۸، به خط نسخ نوشته است.

۵- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، با شماره ۵۱۲۴/۱ که به خط نستعلیق کتابت گردیده و کاتب و زمان کتابت آن مشخص نیست.

۳- بررسی و تحلیل

استقامت نامه، مشتمل است بر حدود ۹۵۰ بیت که در لابه لای اشعار، عباراتی منشور در تفسیر و شرح آیات و احادیث درج گردیده است و با این ابیات شروع می گردد:

استقم دل که باز حسن حیب می کند عشوه‌ها به عشق غریب

فاستقم دل که عشق شورانگیز فتنه انداخته ز غمزه تیز

فاستقم دل که نفس و صورت و پوست زنده شد زنده از محبت دوست

فاستقم فاستقم دلا که حیب خیمه زد در بلاد و دشت غریب

(نسخه خطی، ۱۲۳۵: ابیات ۴-۱)

جمالی اردستانی معتقد است که استقامت را نباید از ظواهر و حروف و اوراق جست. استقامت را باید از رؤیت حق طلبد و محو در دیدار حق گردید و این کاری است که خاص مستقیمان است. آنها کسانی هستند که در تذکر، تفکر، تحسّر و تحیر نیستند؛ چرا که ذکر و فکر و حسرت و حیرت و اوصافی از این قبیل، از شعارهای مبتدیان است و حال آنکه مستقیمان، منتهیان هستند و از تلوین به تمکین رسیده‌اند. البته برای رسیدن به این تمکین، شروطی همچون صدق و آداب و خدمت به مردان خدا لازم است. مردان خدایی نیز کسانی هستند که به استقامت رسیده و از فضل الهی برخوردار گردیده‌اند. «ای عزیز بدان که استقامت مردان خدا، از فضل خداست و فضل خدا، محمد مصطفی است؛ صلی الله علیه و آله و سلم. زنهار سر از متابعت آن حضرت متاب که رضای خدای تعالی در متابعت آن حضرت است. متابعت با محبت؛ نه به تقلید و به عادت. اگر این دولت استقامت می‌خواهی و راه به صاحب همتی مستقیم احوال نمی‌بری، روز همه روز و شب همه شب، این کلمات به سوز و نیاز ورد خود ساز که *أَسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ قَوْلِ بِلَاعَمَلٍ وَ اسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ عَمَلِ بِلَا مَحَبَّةٍ* و این دعای مکمل که از نفس کامل مستقیم احوال یاد دارم، به اشتیاق تمام می‌خوان: *اللَّهُمَّ زِدْنَا الْمَحَبَّةَ وَ الْمَعْرِفَةَ وَ الْإِسْتِقَامَةَ*» (همان: ۳۹۴).

جمالی، استقامت را فنای مطلق می‌داند و فانیان را مستقیم احوال. او لازمه رسیدن به این فنا را فقر دانسته و استقامتی را که به واسطه فقر حاصل آید، از هر

استقامتی بهتر می‌داند و معتقد است نمونه‌ی اعلی و اکمل اهل فقر، حضرت علی علیه‌السلام است.

مرتضی مرتضی نماید راه این ره دور می‌شود کوتاه

دیدگان، روی مستقیمان دید دیده‌ور گشت و جان جانان دید

مستقیم است آنکه دیده یکی در هزاران دلا میار شکی

(همان: ۱۳۱-۱۲۹)

به دنبال آیات مذکور، در ذیل بیان حکایتی منقول از مثنوی مولانا، عباراتی منشور در شرح استقامت بیان می‌دارد: «ای عزیز بدان که هر بازاری به چیزی استقامت دارد و استقامت، نمایش عالم به حکمت الهی است و استقامت نبوت به علم و عبادت است و ولایت به تقوی استقامت دارد و سلطنت به عدل مستقیم است و عافیت اهل زراعت و تجارت به انصاف استقامت دارد و انصاف آن است که حق خدای تعالی به جای آورند و استقامت برکات از راستی است و تصوف و صفای دل از فقر استقامت دارد و فقر از محبت، غنی است و محبت، به بی‌تکلفی استقامت یابد و به پاکی و طهارت ظاهر و باطن؛ معرفت الهی به محبت استقامت یابد و استقامت محبت به دیدار یار است و یار در جهان بسیار است» (همان: ۳۹۷).

وی به دنبال آن بیان می‌دارد که محب مستقیم آن است که تحمل جور و جفای یار و اغیار کند و توقع عزت و نیز طمع نداشته باشد و دوباره تأکید می‌کند که برای رسیدن به چنین دولتی، باید فانی شد و ترک خویشتن کرد و برای دلنشینی و تأثیر کلام، غزلی از خویش را در ادامه، چاشنی سخن خود قرار می‌دهد. در ادامه کلام می‌گوید:

آن دل، آن دل که مستقیم بود خالی از شک و خوف و بیم بود

نور و ظلمات آسمان و زمین همه بیند نکو به عین یقین ...

استقامت از این تجلی جوی این تجلی ز عشق و سودا جوی
مستقیم آنکه راست گفتار است در همه باب، راست کردار است

(همان : ۲۱۱ به بعد)

و سپس به شرح و تفسیر سخن پیامبر اکرم می پردازد که « البلاءُ موکلٌ بالانبياء،
ثم الاوليا ثم الامثل فالامثل ». .

این بلادان که مهر افروزد وین بلادان که پرده می سوزد
این بلادان که رو به آدم کرد خاک مسکین، خراب و پر غم کرد

(همان : ۶۲ - ۳۶۱)

پیر جمالی پس از ذکر حکایاتی چند و نیز تفسیر چند آیه و حدیث در اثنای
سخن، به همراه شرح و تفسیر کلام مولانا (که او را حضرت مرآت و صفات
جمیع کاینات و نیز ستون عالم محبت می داند)، به این نکته اشاره می کند که در
هر زمانی، صفتی از اوصاف ذات الهی استقامت می یابد و مخلوقات را فیض
می بخشد و در زمان او، صفت محبت الهی است که استقامت یافته است.

در بخش های پایانی این اثر نیز، جمالی اردستانی شرط رسیدن به استقامت
را، متابعت رسول و خاندان او می داند:

خواهی ای دل که مستقیم شوی فارغ از خویش و خوف و بیم شوی
پیرو مصطفی و آلش باش خاک در گاه بی زوالش باشد
تا خدایین و حق پرست شوی مست از باده الست شوی
در نمایی به خویش و طاعت خویش پاک گردی ز خویش و عادت

(همان : ۸ - ۸۴۵)

و با ذکر حکایتی از ابوطالب و علی و پیامبر (ص)، به لزوم چنگ آویختن به
دامان مردان حق اشاره می کند و می گوید:

ای طلبکار مستقیم احوال خیز و بگریز از خود و آمال
در طریق و رفیق مردان باش گرد رفتار مستقیمان باش ...
گر خدا خواهی و رضای خدا گرد مردان بگرد، بی سر و پا

(همان : ۹۰۸ به بعد)

او در ادامه می گوید:

هر که نی در زیارت مردان گرچه در کعبه است، سرگردان
ای خداجوی یار مردان باش خاک دهلیز دردمندان باش
کان لله بخوان به سوز و به آه تا که مشغول تو شود الله

(همان : ۲۴ - ۹۲۲)

جمالی درود و سلام فرستادن بر مردان حق و ندیمان را، حداقل کاری می‌داند که اهل سلوک باید پیوسته بدان مشغول باشند؛ چراکه این درود و سلام کار ناتمامان را تمام می‌گرداند و از این روست که او خود همیشه به درود و سلام مشغول است:

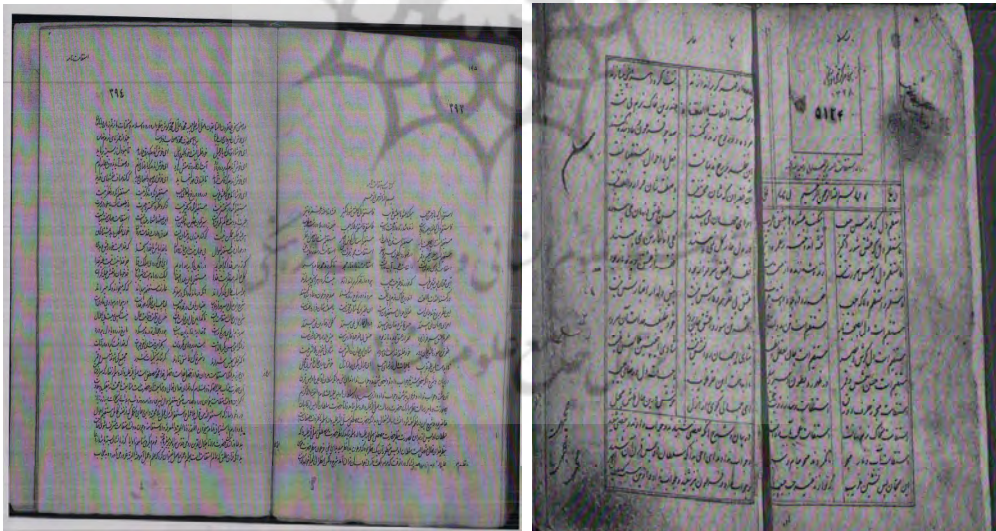
زان دهم هر نفس درود و سلام سوی ارواح انبیاء کرام ...
این درود و سلام همچون صور می‌کند زنده، حال اهل قبور
باز می‌گردد آن حیات فنا آن فنا می‌شود دلیل بقا
خاکساری که استقامت یافت در دل خویشتن قیامت یافت
یادگیر این سلام و در هر بام خوش همی ده به قدّ و روی امام

(همان : ۹۳۵ به بعد)

و سرانجام اینکه او مدعی است با این درود و سلام توانسته به عیش و دارالسلام برسد:

چيست دار سلام حبّ حبيب كه مدام است خوش، به كام غريب
شد جمالی از اين سلام سليم وز دم عشق، مستقيم قديم
(همان: ۴۱ - ۹۴۰)

و استقامت‌نامه را با این عبارات به انجام می‌رساند: «ای اخی اهل محبت که اهل قلوبند، اهل شرع و اهل طریق را نیک می‌شناسند. از بهر آنکه حدیث فبی یسمع و بی یبصر و بی ینطق، در باطن ایشان استقامت یافته و حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله را از حق سبحانه و تعالی جدا نمی‌بینند، این احادیث را نیک می‌دانند. صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشّاهدين و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین» (همان).



صفحه نخستین نسخه خطی ۵۱۲۴

صفحه نخستین نسخه خطی ۱۱۳۲

۴- نتیجه گیری

از مجموع آنچه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که:

۱- عرفا و متصوفه، اصطلاح عرفانی استقامت و ثبات و ایستادگی را همچون دیگر اصطلاحات خود، از قرآن کریم اخذ کرده و با توسع مفاهیم عرفانی آن، مقام طمأنینه، ثبات در ایمان، رسیدن به فنای حقیقی، به آن بخشیده اند و سالکان طریق را به داشتن این مقام مهم عرفانی و پایداری و مواظبت بر آن توصیه نموده اند.

۲- یکی از آثار عرفانی که از سده نهم هجری باقی مانده و تا کنون مجهول القدر مانده است، استقامت نامه پیر جمال اردستانی است.

۳- پیر جمال اردستانی از عرفایی است که از لحاظ کثرت مثنوی های عرفانی مشهور است. از مجموع آثار باقی مانده از او، چنین بر می آید که او دارای بینش عرفانی عاشقانه است و عشق را شرط اصلی رسیدن به کمال مطلق می داند و بن مایه و مضمون اصلی اکثر آثار او نیز عشق است. از این رو هر چند کلام او از آراستگی های ادبی چندان بهره ور نیست ولیکن به جهت اینکه سخن او مایه از عشق می گیرد، گرم و گیرا است و در عمق جان می نشیند.

۴- پربسامدترین و اصلی ترین مضمون به کار رفته در استقامت نامه پیر جمال اردستانی، عشق، محبت، فقر و فناست. او معتقد است شرط اصلی رسیدن به استقامت و پایداری عشق است و استقامتی که به واسطه فقر حاصل آید، منجر به فنا می گردد و فانیان، مستقیم احوالان واقعی هستند.

۵- پیر جمالی با تضمین های فراوان آیات الهی و احادیث و آوردن داستان ها و حکایات گوناگون و نیز شرح و توضیح بسیاری از اشعار مولانا، به تفهیم و تبیین آراء عرفانی خود می پردازد.

منابع

- ۱- جمال الدین اردستانی، فضل الله، ۱۳۷۶، دیوان، به کوشش سید ابوطالب میرعابدینی، تهران: انتشارات روزنه .
- ۲- -----، ۱۳۸۰، مصباح الارواح، به کوشش سید ابوطالب میرعابدینی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی .

- ۳- ----- ، ۱۳۷۱، **مراه الافراد**، به کوشش حسین انیسی پور تهران: انتشارات زوآر.
- ۴- ----- ، ۱۳۸۷، **کشف الارواح**، تصحیح طاهره خوشحال دستجردی، اصفهان: انتشارات کنکاش .
- ۵- ----- ، ۱۳۳۵، **استقامت نامه**، نسخه خطی شماره ۱۱۳۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی .
- ۶- ----- ، بی تا، **استقامت نامه**، نسخه خطی شماره ۵۱۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
- ۷- درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹، **فهرست واره دست نوشته های ایران**، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۵۷، **جستجو در تصوف ایران**، تهران: امیرکبیر.
- ۹- سعادت، اسماعیل، ۱۳۸۴، **دانشنامه زبان و ادب فارسی**، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۰- شریفی، محمد، ۱۳۸۷، **فرهنگ ادبیات فارسی**، تهران: نشر نو و معین.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۵، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: انتشارات فردوس .
- ۱۲- فدایی، غلامرضا، ۱۳۸۶، **آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب**، تهران: سمت .
- ۱۳- گلبن، محمد، ۱۳۸۱، **اردستان نامه**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- گوهرین، سید صادق، ۱۳۶۷، **شرح اصطلاحات تصوف**، تهران: انتشارات زوآر .
- ۱۵- مایل هروی، نجیب، ۱۳۸۰، **تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی**، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- ۱۶- مصاحب، غلامحسین، ۱۳۳۹، **دایرة المعارف فارسی**، با همکاری فرانکلین، تهران: جیبی .
- ۱۷- مدبری، محمود، ۱۳۷۵، **میزان الحقایق از پیر جمال اردستانی**، مجله فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۹ .
- ۱۸- معصوم علیشاه، محمد معصوم، ۱۳۳۹، **طرائق الحقایق**، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران: کتابخانه سنایی .
- ۱۹- منزوی، احمد، ۱۳۵۱، **فهرست نسخه های خطی فارسی**، تهران: مؤسسه فرهنگی - منطقه ای .
- ۲۰- موسوی بجنوردی، کاظم، ۱۳۸۹، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی .

۲۷۰ / «استقامت نامه»، اثری ناشناخته از قرن نهم ...

۲۱- هدایت، رضا قلی خان، ۱۳۸۵، **ریاض العارفین**، به تصحیح ابوالقاسم رادفر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

